

ماجرای عشق و عاشقی میدون

چه کسی ما کج وکوله‌ها را حذف می‌کند؟

● **بوریا عالمی**: رفته بودم برای عملی اقدام کنم و چون شمع بسوزم که قبول نکردند. بابای سوفیا گفت چرا؟ من هم برای بابای سوفیا این خبر را خواندم: عباس قبری، معاون دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفته: «بالغ بر ۳۰ بیماری ممنوعه برای معلمان مشخص کردیم تا معلم نشوند؛ بیماری دیابت، بیماری‌های سلامت روحی و روانی و بیماری‌های واگیردار...». بابای سوفیا گفت: پسر تو بیماری واگیردار هم مگر داری؟ یعنی تو تنها چیزی که داری فقط مرض است؟ یعنی آنها هم فهمیدند تو مریضی؟ تو بیماری واگیردار داری و این حرف‌ها بهانه است و معلوم‌دار شد چرا کسی بهت کار نمی‌دهد. خوب شد نگذاشتند معلم بشوی. معلم می‌شدی، چیز واگیردار یاد بچه‌های مردم می‌دادی. گفتم: مسئله این نیست‌ها. مسئله این است که وقتی توی جهان دارند با معلول طوری رفتار می‌کنند که خودش را علت وضعیّتش ندانند و در جامعه هم‌سطح دیگران باشد، الان اسابتد دارند عملا معلول‌ها و بیمارار را حذف فیزیکی می‌کنند. بابای سوفیا گفت: تو مرض داری وگرنه دیگران که مرض ندارند بهت کار ندهند. گفتم: عباس قبری گفته: «اگر فردی قدش خیلی کوتاه باشد، چاق باشد، ستون فقراتش کج باشد، چشمش کم‌بینا باشد، یا هرچی... نمی‌تواند معلم بشود». بعد توضیح دادم که قبلا معلم‌ها را به دلایل فکری خط‌کشی می‌کردند. الان خوشبختانه پیشرفت کردند و کجی و چاقی افراد را هم در نظر می‌گیرند؛ یعنی قبلا مثلا اگر چپ بودی قبول نمی‌کردند، الان کج هم باشی رو هوایی.

بابای سوفیا رفت توی فکر. بعد گفت موبایل اینترنت دارد؟ گفتم بله. گفت اسم این آقای عباس قبری، معاون دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، را سرچ کن ببینیم خودش چه شکلی است. سرچ کردم. وقتی گوگل ما را با ایشان آشنا کرد، بابای سوفیا گفت: آخی... فروید حق داشته.

وصیت

سوفیا... سوفیا... من شاید جاق، لاغر، کوتوله، نردبان، کج، چپ، کور، لوچ و به‌صورت کلی مریض باشم، اما تو مثل جامعه با من نباش و من را حذف نکن. اتفاقا قدیم‌ترها برخی رؤسا هم امثال ما کج‌وکوله‌ها را از جلو چشم دور می‌کردند و می‌گفتند ما کارایی نداریم، اما تو بگذار دوست داشته باشم تا ببینی با همین بدن کج‌وکوله‌ام، سالم‌ترین نوع احساس را تقدیم تو خواهم کرد.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۵ • ۱۳ محرم ۱۴۳۸ • ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۰۳ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۷ • اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

روزنفرها

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد



تجارت سودمند با چرتکه هوشمند

طرح چرتکه

اعطای تسهیلات به دارندگان پایانه های فروشگاه‌هی و درگاه پرداخت اینترنتی متصل به حسابهای بانک تجارت

بانک تجارت

روابط عمومی

www.tejaratbank.ir

– نرخ سود تسهیلات ۴ تا ۱۸ درصد

– اعطای تسهیلات بر اساس میزان فعالیت و میانگین ۳۰ و ۶ ماهه حساب

– میزان تسهیلات تا سقف ۱۸ برابر میانگین حساب

– بازپرداخت اقساط تسهیلات ۱۵ روز تا ۱۲ ماه

پشت جلد

بیماری ناهم‌خوانی سر و بدنه!

به سود خود است. بسیاری از ناظران سیاسی معتقدند با این وضعیت بعید است حزب کارگر بتواند در انتخابات بعدی صاحب اکثریت شود. نظر‌سنجی‌ها هم حاکی از آن هستند که محبوبیت عمومی اِسن حزب از زمان انتخابات عمومی سسال ۲۰۱۵ تا به حال کاهش یافته است. اگر این حزب به اختلافات عمیقش ادامه دهد اوضاع بهتر نخواهد شد، اما اگر بخواهد اختلافات را کم کند راه‌حل چیست؟ پاسخ این سؤال چندان آسان نیست. نه قدرتمندان در رأس حزب کنار می‌روند و نه‌اینکه اگر احیاناً کوربین کنار برود، جانشینان او می‌توانند حمایت بدنه را داشته باشند. اگر اوضاع مناسب بود حزب کارگر، در این شرایط دچار انشعاب می‌شد، ولی به نظر می‌رسد تنها چیزی که جلو انشعاب را گرفته این است که اولاً هر‌کدام از بخش‌ها خود را وارث نام اصلی حزب کارگر می‌داند و بخش دیگر را به خروج می‌خواند. ثانیاً بخش مخالف کوربین می‌داند در صورت خروج، با وجود دراختیارداشتن سهمی از قدرت و ثروت، فعلاً با اقبال پایگاه اجتماعی چندانى مواجه نخواهد بود. این حزب هم‌اکنون دچار بیماری ناهم‌خوانی سر و بدنه است. سر، یک فرمان می‌دهد و بدنه، خواستى دیگر دارد. سر به راهی می‌رود و بدنه به راهی دیگر. این وضعیت آشکارا یک بیماری ویرانگر است و باید درمان شود درحالی‌که درمانی روشن و فوری برای آن دیده نمی‌شود. حزب کارگر بریتانیا دچار بیماری اختلال در سیستم پیام‌گیری و پیام‌دهی است. به نظر من درمان این وضعیت جز با امکان توافق بر یک بخش بینابین مستقل و مقبول نیست.

یادداشت

طرب‌نامه بیضایی و دودی که از کنده بلند می‌شود

همدانه و مشفقانه مدیر و حامی این پروژه را نادیده انگاشت که با درک درست از سپهر فکری و فرهنگی هنرمندی در تراز بهرام بیضایی، همت و تلاشی جانانه را فراهم کرده و می‌کند تا او بتواند ایده‌هایش را عملیاتی کند.

تلاش‌های چند سال اخیر استاد بیضایی در منطقه کالیفرنیاى شمالی نشان داد که وقتی زمینه‌های کار فراهم باشد، خلاقیت‌ها هم شگفته می‌شوند و آدمی در سن بیضایی هم قوت و انرژی سال‌های جوانی را پیدا می‌کند و کاری می‌کند کارستان. چندی قبل که وزیر محترم ارشاد در پاسخ به پرسشی گفته بودند: «منی‌دانم آقای بیضایی اصولاً می‌تواند در این سن کاری انجام دهد یا نه»، شخص نگارنده که دوردادور تلاش‌های استاد بیضایی را در سه سال اخیر دنبال کرده و می‌کنم و تقریباً هر سه نمایشی را که به صحنه برده از نزدیک دیده‌ام، با خود اندیشیدم که اگر آقای وزیر یک مشاور خبیر و آگاه داشت، قطعاً درباره چهره‌ای همانند بیضایی چنین داوری نمی‌کرد. حتی اگر سری به سایت‌ها می‌زد و گوشه‌ای از بخش نخست همین نمایش طرب‌نامه را می‌دید یا یکی، دو سخنرانی و پرسش و پاسخ آقای بیضایی را، به قطع و یقین در ارزیابی خود تجدیدنظر می‌کرد و زبان به تحسین آقای بیضایی می‌گشود و تلاش‌هایی که کرده و می‌کند و خواهد کرد.

درحال بسی دشوار است که در محیطی انگلیسی‌زبان باشی و بتوانی صورت‌بندی کارت را به‌گونه‌ای سامان دهی که در مدت دو هفته پنج اجرای سنگین، اما با کیفیتی مطلوب و مناسب را به صحنه ببری، آن‌هم به زبان فارسی با بازیگرانی آماتور. بیضایی اما این کار را صورت داد و استقبال از بخش نخست نشان داد که او مخاطبان خود را در این منطقه پیدا کرده است. شاید روزی برسد که نمایش بیضایی در این منطقه برای روزهای متمادی بر صحنه باشد.

در اتحادیه است. به‌این‌ترتیب حامیان احزاب بزرگ برای تصمیم‌گیری نهایی، بیشتر به برداشت خود متکی شدند. پس از انتخابات، یک سراسیمگی عمیق فضای سیاسی کشور را در بر گرفت. از یک‌سو تندروهایی بودند که تبلیغ می‌کردند باید هیمنه بریتانیا را بازگرداند، ولی برای شعارهای احساسی خود برنامه روشنی ارائه نمی‌کردند و از سوی دیگر کسانی بودند که منادی ادامه وضعیت جاری بودند درحالی‌که برای انتقادات اجتماعی پاسخ روشنی نداشتند. این سراسیمگی منجر به نتیجه‌ای شد که دیدیم. حزب حاکم با یک تغییر و تحول در پی نگه‌داشتن جایگاه خود در قدرت است درحالی‌که همه امید خود را بر انجام مذاکرات سازنده در روند خروج متکی کرده است. این در حالی است که آنها می‌دانند وضعیت اقتصادی کشور حداقل در کوتاه‌مدت دورنمای خوبی ندارد. در حزب کارگر اوضاع از این‌هم بدتر است. یک دوگانگی شدید در رأس و بدنه، جان حزب را تهدید می‌کند. در رأس حزب، سیاستمدارانی هستند که واقع‌گرایی ماهیت قدرت را در نرمش حزب زیاد می‌بینند. درمقابل، کوربین و اتحادیه‌های کارگری و بخش بزرگی از بدنه با تمایلات سوسیالیستی، خواهان مرزبندی‌های آشکار با بخش سرمایه‌دار و سوداگر و به سود بخش عمومی‌اند. هم‌اکنون در طیف اعضای این حزب از چپ چپ (کوربین) تا راست چپ‌نما (بلر) وجود دارند و صاحب قدرت هم هستند و حضور و فعالیتشان گاهی خثی‌کننده حرکت‌های حزبی است. حزب رقیب هم از فرصت استفاده کرده و با طرح پاره‌ای شعارهای عوام‌پسند در پی جذب بیشتر آرای سرگردان

همین حوالی

رانت‌خوارها را رها کنید

سهراب مشهودی

تو را به‌خدا رانت‌خوارها، بالاکشندگان وام‌های بانکی نجومی و امثالهم را به حال خودشان بگذارید و اجازه بدهید م زندگی‌مان را بکنیم. در ایران هروقت سروسوادی می‌شود امثال مایی که یک عمر جز از راه سالم و انجام کارهای خیلی سخت، درآمدی نداشتند،ایم، پشتمان می‌لرزد. چون از فردا دستورالعمل‌های سختی برای بانک‌ها، ادارات دولتی و... صادر می‌شود که دیگر مثلاً گرفتن ضمانت‌نامه‌های ساده، برای پیمانکاران و مهندسان مشاور، ناممکن می‌شود. مقررات محکم اخذ وام صادر می‌شود که دیگر گرفتن وام را ناممکن می‌کند. ادارات دولتی که براساس آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۸۳ هیأت دولت می‌توانند از مهندسان مشاور برای شرکت در مناقصه یا حسن انجام کار به جای ضمانت‌نامه، سفته بگیرند، دیگر از قبول سفته خودداری می‌کنند و قس علیهذا. یک نفر می‌شود مدیر بیمه و تمام شرکت‌های سوده بیمه را واگذار و بیمه را ورشکست می‌کند یا شرکت‌های وابسته به نهاد‌های مختلف (ازمابه‌تران) فهرست‌های بیمه کاملی نمی‌دهند یا افراد اضافی در فهرست دارند و بیمه تصمیم می‌گیرد سخت‌گیری کند، باز هم پشت ما می‌لرزد. به‌عنوان مثال اخیراً بیمه درباره کارهایی که زمان قراردادشان تمام شده، ولی شرکت انجام‌دهنده کار موفق به دریافت حق‌الزحمه خود نشده‌اند، این‌طور عمل می‌کند که از شرکت مربوطه می‌خواهد، حق بیمه دریافت‌نشده را بدهند (حتی اگر از نظر فهرست ماهانه بدهی نداشته باشند) و بعد خودش برود از کارفرما، شکایت کند و بیمه حق کارفرما را از او بگیرد، البته اگر کارفرما اتفاقاً حق‌الزحمه مشاور بیمه آن را طبق مقررات بعداً به حساب بیمه واریز کرد، تنها در صورتی که در همان سال مالی باشد، به حساب شرکت منظور می‌شود وگرنه پرداختی اضافه و سوخت‌شده خواهد بود. درباره مهندسان شرکتی که نتوانند این مبلغ را بپردازند، مجوز گرفته که رأساً حساب بانکی‌شان را ببندند و هر چه به آن واریز می‌شود را برداشت کند. کسانی با درآمد‌های میلیاردی، مالیات نمی‌دهند، دارایی مقرراتی برای افزایش درآمد می‌گیرد و چون زورش به آنها نمی‌رسد باز سراغ ما می‌آید. به‌عنوان مثال اخیراً دارایی هم مقررات جدیدی وضع کرده و علاوه بر اینکه، کارفرما پرداختی کرده باشد یا نه، مالیات ارزش افزوده خود را طلب می‌کند، جالب‌تر این است که آن را عطف‌به‌ماسبق هم می‌کند و به‌علاوه جریمه دیرکرد هم می‌گیرد. به‌علاوه اگر مثلاً کار مربوط به سال ۹۰ است که ارزش افزوده مثلاً سه درصد بوده، ولی پرداخت حق‌الزحمه در سال ۹۲ پرداخت شده که ارزش افزوده پنج درصد شده، پنج درصد را از شرکت می‌گیرد، با وجود اینکه می‌داند، کارفرما به علت زمان قراردادش، این اضافه‌پرداخت را به شرکت نمی‌دهد. جالب است اگر شرکتی که حسابش را بیمه بسته باشد که دیگر نمی‌تواند هیچ پرداختی، از جمله به دارایی، داشته باشد، به این امر هم توجه شده و به جرائم افزوده می‌شود. خلاصه هر گروهی هر جا تخلفی کرد، بیت‌المال را دزدید، وام میلیاردی گرفت و پس نداد، ضمانت‌نامه‌هایش برگشت، رانت‌خور بود و چه و چه و چه، حداکثر یکی، دونفرشان گیر می‌افتند و باقی راه‌های جدیدی برای چپاولشان می‌یابند و کسانی که واقعا در راه سالم کار و به توسعه کشور کمک می‌کنند، تقاص آن را پس می‌دهند.پس تو را به خدا آنها را به حال خودشان بگذارید و اجازه دهید ما هم زندگی‌مان را بکنیم، چون گویا هر چه سنگه، مال پای لنگه.

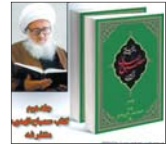
اتفاق

هدیه‌های ایران به آمریکا

کرده است. همه اینها در این فهرست طولانی به دقت تهیه و تنظیم و قیمت‌گذاری شده‌اند. دراین‌میان هدایایی نیز از سوی مسئولان ایرانی به چشم می‌خورد. دو هدیه به وندی شرمن و یکی به جان کری اهدا شده است.

هدیه به وندی شرمن که از سوی حسین فریدون، نماینده مخصوص ریاست‌جمهوری، اهدا شده است، تابلوفرشی با گلدانی پر از گل است که قیمتی حدود ۱,۱۰۰دلار دارد. فرش‌ی با رنگ بژ نیز با قیمت ۱,۱۵۰ دلار از سوی عباس عراقچی به شرمن در همان تاریخ اهدا شد؛ اما هدیه‌ای که ظریف به جان کری اهدا کرده است، کتابی از فرشچیان است که قیمتی حدود ۴۰۰ دلار دارد. این نشان می‌دهد بیشتر این هدایا جنبه احترام و یادگاری داشته‌اند.

تصحیح



در شماره ۲۷۰۲ - ۱۳۹۵ دوشنبه ۱۹ مهر، کتاب «مصحاح‌الهدی و سفینه النجاه» مجموعه‌ای از بیانات مرجع عالی‌قدر تشیع، حضرت آیت‌الله وحید‌خراسانی، معرفی شده بود که متأسفانه عکس اشتباه منتشر شده بود. به‌این وسیله از محضر ایشان و خوانندگان محترم عذرخواهی می‌کنیم.